

## «حدود دینها و موانع و مشکلات موجود در نقل و انتقال سرمایه های خارجی»

با توجه بشکاف عبقی که در حال حاضر از لحاظ مختلف بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه وجود دارد، مسئله نقل و انتقالات سرمایه، حائز کمال اهمیت میباشد. متها در مسیر این جریان مشکلات و موانع متعدد ایجاد شده است. از یکسو کشورهای کمک دهنده ثروتمند معتقدند که قسمت قابل ملاحظه ای از سرمایه ها، وامها و کمکهای بلاعوض آنها بکشورهای در حال توسعه نتایج مطلوب را یار نیاورده است و از سوی دیگر کشورهای فقیر میگویند که این جریان برای توسعه اقتصادی آنان، گرچه ممکنست ظاهراً خیلی زیاد جلوه کند ولی نسبت به نیازمندیشان بسیار ناچیز است. اینان میگویند البته صحیح است که جریان سرمایه های رسی طی سنوات اخیر مرتباً افزوده شده است معذکک افزایش مذکور بسیار ناچیز بوده و از سوی دیگر جریان سرمایه های خصوصی خارجی بکشورهای در حال توسعه دچار نوسانات نامنظم شده است و از همه مهمتر اینکه سرمایه های مذکور در بخش های مختلف اقتصاد کشورهای مذکور بنحو مطلوب توزیع نشده است. زیرا آمار و بررسی های مختلف مبین این امر است که بیشتر این سرمایه ها غالباً بین چند کشور و تعداد معدودی از رشته ها و سازمانهایی چون نفت و دیگر مواد معدنی متمرکز شده اند.

مسئله عدم کفایت کشورهای در حال توسعه در استفاده از منابع سرمایه ای

که از خارج باین کشورها جریان دارد بوسیله گروهی از اقتصاددانان نیز مطرح میشود. اینان عقیده دارند که از علل اصلی کندی این جریان آنستکه کشورهای مذکور بعلت نواقص بسیاری که در زمینه‌های مختلف اجتماعی اقتصادی و تکنیکی دارند قادر با استفاده اقتصادی از این کمکها نیستند.

انتقال سرمایه در حال حاضر کمتر بصورت بخششهای بلاعوض صورت میگیرد. بالعکس کشورهای در حال توسعه، در ازای این کمکها متقابلاً بتأمین کالاها و خدمات مورد احتیاج کشور کمک کننده می‌پردازند. تقاضای انتقالات سرمایه از ناحیه کشورهای در حال توسعه ناشی از این امر است که آنها میخواهند به ارتقاء سطح زندگی مردم کشورهای خویش مبادرت نمایند. همچنین انتقال سرمایه‌ها از کشورهای پیشرفته بکشورهای گروه دوم در خاتمه امر بصورت انتقال کالا انجام میشود. زیرا بفرض آنکه این کمکها از طریق وجوه نقدی صورت پذیرد کشور دریافت کننده مجبور خواهد بود که آنرا بمصرف خرید کالا برساند و بنابراین غالباً این خرید بطور مستقیم یا غیر مستقیم از کشور کمک کننده انجام میشود. بنابراین هرگاه یک کشور پیشرفته بخواهد بکشورهای در حال توسعه سرمایه‌ای منتقل نماید این عمل در دراز مدت بصورت انتقال کالا در خواهد آمد. البته استفاده از سرمایه‌های مذکور بستگی به درجه مهارت و تبحر افراد ملت دریافت کننده کمک دارد که متأسفانه این مهارت در کشورهای در حال توسعه بر یک سطح نازل قرار دارد.

با توجه بموارد فوق دلیل آنکه چرا غالباً کشورهای پیشرفته به انتقال سرمایه‌های خود بکشورهای پیشرفته دیگر اشتیاق بیشتری نشان میدهند تا بیک کشور در حال توسعه نیز علاوه بر تأمین این سرمایه‌ها و بعضی دلایل دیگر تا اندازه‌ای از دریچه تخصص و مهارت حرفه‌ای که در سطوح مختلف اجتماعات پیشرفته همیزان

کافی وجود دارد توجیه می‌گردد. حال آنکه غالباً نیروی کار و بسیاری دیگر از عوامل تولید در کشورهای غیر پیشرفته بازحمت و هزینه کمتری نسبت به کشورهای پیشرفته قبل حصول اند. عدم آشنائی بزبان، خصوصیات ویژه نامناسب اجتماعی کشورهای مطالبه کنند؛ سرمایه، ویژگیهای نژادی، اشکالات فنی، وضع نامناسب تولید و توزیع، وجود شورشها و انقلابات داخلی و حتی منطقه‌ای، عدم ثبات سیاسی و وجود قوانین نامناسب مربوط باینگونه فعالیت‌های اقتصادی، همگی از جمله مشکلات و موانع موجود در مسیر جریان سرمایه‌های بین‌المللی می‌باشند. ممکن است برخی از این مشکلات مربوط به کشور صادرکننده سرمایه باشد، مشکلاتی چون مالیات‌های مضاعف، محدودیتها و انحصار، مقررات مربوط بسیستم‌های اسعار و سیستم ارزی مملکت.

همچنین پاره‌ای دیگر از مشکلات به کشور استفاده کننده از این جریسان مربوط می‌گردد. در این خصوص میتوان مقررات خاص محدود کننده فعالیت افراد خارجی، مقررات مالی و مالیاتی، قوانین مربوط بکنترل سرمایه، لزوم مشارکت افراد داخلی و مقررات کارگری را نام برد.

مشکلات موجود در این زمینه بسیارند. فی‌المثل اشکالات بسیاری که برای استرداد سرمایه و منافع آن وجود دارند، مالیات‌های گوناگون، محرومیت خارجیان از داشتن اموال غیر منقول، مقررات گمرکی و از همه مهمتر مسئله رسیدگی با اختلافات بین دو گروه سرمایه‌گذار و کشور استفاده کننده از سرمایه قابل اشاره است.

بسیار اتفاق می‌افتد که سرمایه‌دار خارجی بدسنگاه‌های قضائی کشوری که می‌خواهد سرمایه‌اش را در آنجا بکار اندازد اعتماد ندارد و بخصوص کلیه گروه‌های سرمایه‌دار خارجی نسبت به تحولات سیاسی حساسیت زیادی دارند. لذا اینان'

همیشه بیم دارند که سرمایه آنها پس از چندی گرفتار قوانین داخلی مصادره و ملی کردن یا نهم بدون پرداخت خسارت عادلانه شود.

بنابراین روشن میشود که چرا علیرغم سود آوری نسبتاً زیادی که برای سرمایه‌گذار در کشورهای در حال توسعه وجود دارد که حتی گاهی در برخی از رشته‌ها بچندین برابر مبلغ مشابه در کشورهای پیشرفته بالغ میشود، از هم مؤسسات و افراد خصوصی سرمایه‌دار طریق کشورهای صنعتی و پیشرفته را پیش میگیرند تا سرمایه‌گذاری در کشورهای کم‌رشد.

البته ترس و واهمه این سرمایه‌داران نیز بدون سبب منطقی نیست زیرا موارد بسیار ملی کردن و مصادره اموال خارجیان را بکرات دیده‌ایم و نظریه اینکه در بسیاری از موارد که قوانین ملی شدن اجرا شده است خسارت عادلانه بصاحبین سرمایه‌ها پرداخت نشده و تقریباً کلیه آنان خاطره‌های بسیار بدی از ملی شدن و مصادره اموال داشته‌اند. تنها راهی که بمنظور احقاق حقوق آنان در این موارد وجود داشته است مراجعه به مراجع حقوق بین‌الملل بوده، ولی این مراجع بموجب ضوابط حقوقی مورد قبول در اختیار افراد نبوده و فقط دولتها قدر خواهند بود که در این گونه مراجع اقامه دعوی کنند یا از طریق سیاسی مطالبه جبران خسارات وارده را بنمایند. این چنین حقی مگر در موارد بخصوص برای افراد خصوصی وجود ندارد و از طرف دیگر وارد کردن دولت متبوع به اقامه دعوی در چنین مراجعی کارآسانی نیست، تازه در صورت موفقیت در امر اخیر مسئله عدم وجود ضمانتهای اجرائی تصمیمات مراجع بین‌المللی مطرح میشود و این نیز مشکل کوچکی نمیشد. این نکته قابل توجه است که هر اندازه مؤسسات سرمایه‌گذاری فعالیتها و هدفها و راه و روش خویش را برحسب اهداف و اولویتهای ملت جاذب سرمایه منطبق نمایند بهمان نسبت عملیات و مجاهدتهای چنین سازمانهایی نامتغیر و برای صاحبان آن نیز سودآورتر خواهد بود. ایجاد همبستگی و انطباق هدفهای سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و اهداف مملکت را نمیتوان بتصادف و اتفاق موکول کرد، بلکه عامل مؤثر

در این زمینه تفاهم و اطمینان است و هر دو عامل به زمان و گاهی هم زمانهای طولانی نیاز دارند و بهمین دلیل است که گشودن درهای مذاکره در هر دو سو طریق منطقی بمنظور جلوگیری از وقوع اختلاف نظر و یا لا اقل حل و فصل آن میباشد نکته دیگر آنکه سرمایه گذاران خارجی در اکثر موارد شرایط بسیار مشکلی را جهت سرمایه گذاری خود ایجاد مینمایند.

گاهی سرمایه گذاران خارجی اصطلاحاتی را در قرارداد های خود گنجانده اند که بوسیله آن کلیه بازار کشور طرف قرارداد را زیر نفوذ و انحصار خود گرفته اند. حتی خود را در مقابل هر حادثه و پیش آمدی حفظ نموده اند. همچنین قدرت شگرف اتعاده های انحصاری نظیر شرکت های نفتی در انحراف سیر تعول جریان های اقتصادی، کشورهای سرمایه طلب را نیز مجبور بوضع قوانین لازم بمنظور حفاظت منافع ملی خود نموده است و مسلماً قسمتی از قوانین نامناسب با روحیه سرمایه گذاران خارجی سازگار نیست. برای جلوگیری از چنین بی اعتمادیها بنظر میرسد که لازمست طرز تلقی و دورنمای فکری سرمایه گذاران از یک طرف و کشورهای سرمایه طلب از سوی دیگر تغییر پذیرد. متأسفانه ایجاد چنین تغییراتی بسیار مشکل و گاهی اصلاً امکان ناپذیر است.

مشکلاتی که بر شمردیم هیچیک ابدی و لایزال نیستند بلکه هر یک در سایه یک نوع سیاست معقول و منطقی اثرات مضر خود را از دست خواهند داد، گاهی از طریق تغییر نرخ بهره یا نرخ ارز، طریقی را که در جریان سرمایه ها از آن ره می پیمایند هموار ساخته و زمانی مثلاً دولت با تضمین و اسبابی خصوصی، تعلیم و تربیت کادر مورد نیاز آنان و ایجاد گروه متخصصین حرفه ای، معاف نمودن احتیاجات وارداتی آنان از قسمتی از حقوق گمرکی و سایر مالیاتها و تسهیلات دیگر موجبات تشویق و ترغیب آنها را فراهم مینمایند.

۱- John H. Adler with the assistance of Paul W. Kuznets, Capital Movement and Economic Development., 2nd ed., proceedings of a conference held by the International Economic Association; London Macmillan Inc., New York; Martin S., 1970, p. 150

نهادر یک مورد تا کنون موفقیت چندانی مشاهده نشده است و آن رفع اعتماد سرمایه گذاران خصوصی و از طرف دیگر حل و فصل اختلافات حاصله بین دو گروه سرمایه گذار استفاده کننده سرمایه بوده است که بعداً به تفصیل شرح داده خواهد شد.

بسیاری از کشورها اوضاع قوانین خاص موجب تسهیل جریان سرمایه بداخل کشور شده اند، البته تصویب قانون صرفاً و بدون توجه به سایر عوامل نمیتواند شرایطی بوجود آورد که افراد و سازمانهای سرمایه گذاری خارجی بدون نگرانی سرمایه های خود را بکشورهای خارجی برده و فعالیت را آغاز نمایند.

درخواست و ام از کشورهای خارجی چه بسا با چنان شرایط و اشکالات سیاسی توأم باشد که بزیانش ارزش نداشته باشد، وضع قانون نیز که نمیتواند به تنهایی مؤثر باشد. هر گاه قوانین و مقررات متضاد و نامناسبی وجود داشته باشد چه بهتر که با تصحیح آنها یکی از زنده های مهم را در زمینه جلب سرمایه های خارجی برداریم ولی صرف نظر از تضاد در مقررات و ضوابط، چه بسیار اوقات که تشریفات زائد باروش های کهنه، اجرای طرحهای توسعه اقتصادی از طریق بکار بردن پس انداز ممالک خارجی و بطور کلی تحرك عامل سرمایه را باز کود مواجه مینماید. عدم وجود دستگاه اداری شرافتمند در بسیاری از کشورها و یا لاقابل کادر اداری ناآگاهی که موجب تبعیض و بی عدالتی میشوند، مسلماً در فعالیت مؤسسات خصوصی خارجی منعکس خواهد شد. عدم وجود تبعیض غیر عادلانه در مسائل مربوط بازادیهای اقتصادی، امنیت قضائی و تجارتي، مسائل مربوط به پرسنل و کادر استخدامی از مسائل دیگریست که شرایط آن باید ایجاد گردند. مخصوصاً دولتهای محتاج سرمایه خارجی چه بهتر که برای ورود کارکنان خارجی از جمله متخصصان، طراحان و معلمان حرفه ای، مقررات محدود کننده نامناسب وضع و اجرا نمایند که خود از موانع مهم تحرك بین المللی سرمایه ه میباشد.

مسائل کشورهای در حال رشد را بدشواری میتوان بیک صوت کلی متشکل نمود زیرا تضاد و مابینت در بین این کشورها بسیارند و وضع اقتصادی و اجتماعی آنها نیز بایکدیگر تفاوت وسیع دارد. مثلاً در برخی از این کشورها تراکم جمعیت بسیار زیادست و حال آنکه در بسیاری نقاط جمعیت متناسب با سایر مکانات بوده یا آنکه نسبت به وسعت سرزمین بسیار اندک میباشد.

بسیاری از این کشورها بصدد تعداد معدودی کالا مبادرت میکنند و گاهی نیز حیات کشور بستگی بفروش یک نوع ماده خام نظیر نفت دارد. در موارد زیادی قیمت کالای صادراتی آنها بشدت نوسان می یابد که موجب میشود تا پیش بینی منافع احتمالی در سرمایه گذاری خارجی نامطمئن شود. در برخی موارد دولتهایی که با مشکلات ناشی از ضعف سیستم مالی خود روبرو بوده اند بگرفتن وامهای بزرگ کوتاه مدت خارجی دست زده اند. یا ممکن است گاهی برای تضعیف اثرات تورم افراد و مؤسسات خصوصی را باخذ قروض سنگین کوتاه مدت خارجی تشویق نموده اند و یا بدون توجه به ذخائر ارزی مملکت بوسیله اعطای پروانه وارداتی موجب ایجاد قروض خارجی شده اند.

گاهی نیز از قروض کوتاه مدت بمنظور اجرای پروژه های درازمدت استفاده شده است. مسائل مربوط به وام خارجی دارای وجهه های مختلف است. از یکسو وجود شرایط مناسب بازپرداخت نمی تواند مشکل چشم گیری باشد؛ یعنی ممکن است مجموع تولیدات کشور دریافت کننده وام به میزان آن افزوده شود که بتواند سطح زندگی مردم خویش را بالا برده و از عهده پرداخت اقساط قرضه نیز برآید و موازنه پرداختهایش را نیز متعادل سازد و از سوی دیگر چه بسا که سررسید قروض همزمان با بهره برداری تولیدی سرمایه گذارینا نبوده باعث اشکال گردد. حتی در صورت وجود چنین هماهنگی باز هم مشکلات دیگری نظیر عدم تناسب و توانائی یازدهی مملکت در استرداد منظم اقساط وجود خواهد داشت و بهمین جهت مؤسسات سرمایه گذار در هنگام اخذ تصمیم راجع بپرداخت وام بیک کشور، ظرفیت وام گیری و بازپرداخت

منظم را مورد توجه فراوان قرار می دهند. بدین سبب تعهدات برخی از کشورها که توانائی کافی برای بازپرداخت دیون خود را ندارند مرتباً روی افزایش است.

بعضی از کشورها بعلت سواجه بودن با تعهدات غیر قابل مقایسه با درآمد ارزی شان سعی دارند تا با استفاده از وامهای کوتاه بامیان مدت اصل و فرع وامهای گذشته را بپردازند و این ترتیب بجز در موارد استثنائی نمیتواند راه حل صحیحی باشد.

در حال حاضر بازار پولی بسیار وسیعی در جهان بمنظور اجرای پروژههای توسعه ای وجود دارد. لکن درجه میل سازمانها سرمایه گذار به پرداخت وام و سرمایه گذاری بمیزان زیادی به سهولت و نحوه بازپرداخت و نرخ بهره وام بستگی خواهد داشت.

در چنین شرایطی هرگاه کشورهای در حال توسعه نخواهند یا نتوانند بخوبی به تعهدات خود عمل کنند، این عامل اطمینان در ضوابط مذکور تضعیف گردیده و بدین ترتیب لطمات فراوان به بنیان قروض بین المللی وارد خواهد شد. در این صورت اگر بخواهیم بطور دائم مقادیر قابل توجهی از اعتبارات خسارچی را برای رفع حوائج مربوط به توسعه اقتصادی این ممالک بخدمت بطلبیم لازمست اینگونه تعهدات کاملاً جدی تلقی شده واصل و بهره آن منظمأ پرداخت گردد و چنانکه در این مورد اشکالی پیش آید، بمذاکره مجدد مبادرت گردد. معذک حتی القدر سعی گردد تا اینگونه عملیات و مذاکرات ندرتاً و تنها در مواقع بسیار ضروری صورت پذیرد.

ضمناً ترتیب کار آنچنان باشد که کلیه قروض باقیمانده بطور کامل پرداخت شود و تعهدات فرعی دیگر بنحو احسن انجام گردد بنحویکه منافع طرفین معامله بخوبی محفوظ بماند.

در بسیاری از موارد که کشوری با مشکلات مربوط به عدم توانائی در بازپرداخت دیون خود مواجه میگردد یک مذاکره رسمی بمنظور تنظیم مجدد بازپرداخت بتدریج موجب اعاده اعتبار خواهد شد و بدین ترتیب کشور مذکور را از عدم توانائی در انجام تعهدات خود در این مورد که موجب ایجاد خسارات بسیار و روابط



اعتباری بین‌المللی میشود برحذر میسازد. معذک‌گه اتفاق میافتد که بعلت اختلاف نظر و عدم حصول توافق بین طرفین و گاه بعلت ضعف شدید اقتصادی وام‌گیر، این کشور قار نیست به تعهدات خود عمل کند و در نتیجه نیروهای فعال آن که حقاً میباید مصروف تأمین رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و بالا بردن سطح زندگی سکنه آن گردد تضعیف، بادر خدمت وام دهنده قرار می‌گیرد. علاوه بر کاهش نسبی کمکهای رسمی عمرانی، مسئله مقید ساختن آن بخرید از ممالک اعطاء کننده مطرح میشود که بنحو بارزی از تأثیر وانعطاف پذیری آن می‌کاهد زیرا با این کار طرق نیل با اهداف مختلف مورد نظر را محدود مینماید. در چند سال اخیر خصوصیت مقید ساختن کمکهای رسمی بحدی وسعت پیدا کرده که دیگر در اعطای وامها اصل بر مقید بودن آنهاست و تنها در موارد استثنائی امکان دارد برخی از کمکیا از چنین قیودی برحذر بمانند.

بدین ترتیب اجبار دریافت کننده بمصرف آن در راه معین، خرید کالا یا کالا های معین، اجرای طرحهای اقتصادی معین یا خرید از کشور معین بنحو چشم‌گیری امکان استفاده مؤثر از وامها یا سرمایه‌گذاریهای خارجی رسمی را کاهش میدهد و مانع انطباق کامل آن با اوضاع اقتصادی دریافت کننده خواهد شد. در گذشته بسیاری از کمکیا صرفاً بمنظور افزایش صادرات کشور کمک کننده بکشور گیرنده کمک صورت پذیرفته است. <sup>۱</sup> مشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شرایط مذکور غالباً موجب ایجاد هزینه‌های اضافی برای دریافت کننده خواهد شد. مثال این مورد هنگامیست که کشور مزبور مجبور است کالاها را مورد نیاز را بمراتب بیشتر از متوسط قیمت بین‌المللی آن کالا از کشور اعطاء کننده وام خریداری نماید.

مثال دیگر این مورد موقعی است که کشور دریافت کننده وام مجبور به

۱- Kirshen, E. S., and others, Op. Cit., pp. 302 - 302-487, passim

خرید کالای مورد نیاز از یک کشور دوردست می‌گردد و این بعلت تأثیر هزینه حمل و نقل یا بیمه است.

مطابق محاسبه کارشناسان اقتصادی سازمان ملل متحد، هزینه‌های اضافی مذکور گاهی از ۳۰ درصد رقم اصلی نیز تجاوز مینمایند.

زیان ایجاد شرطوقید در استفاده از کمک خارجی منحصر به هزینه‌های مستقیم نیست زیرا یک سلسله مضار غیر مستقیم را نیز در بر دارد. مثلاً یک وام مقید چه بسا که سبب شود اجرای پروژه‌های اقتصادی و واردات کالاها بدون توجه باصل اولویت صورت پذیرند یا ورود کالا به قیمتی افزونتر از سطح جهانی بلاشک بر قیمت‌های داخلی و صادرات بالقوه کشور کمک گیرنده نیز تأثیر خواهد گذاشت.

مثال دیگر اینگونه مضار غیر مستقیم هنگامیکه تشریفات و قوانین نامتناسب کشور پرداخت کننده موجب تعویق در اجرای پروژه می‌گردد.

این چنین تأثیرات گاه بحدی است که جنبه‌های رجعانی وام‌های رسمی را محدود و ارزش آنرا بحد وسیعی کاهش میدهد.

هدف از مقید ساختن وام‌ها فرق میکند، گاه مسئله حفظ یا ایجاد تعادل در یک بخش از تراز پرداخت‌های کشور وام دهنده در میان است و در برخی دیگر از موارد کشورهای کمک دهنده میخواهند تا با ایجاد قید و شرط در وام‌های اعطائی خود موجب افزایش صادرات خویش و اشغال یا حفظ بازار مربوطه گردند.

از چندی پیش ایالات متحده آمریکا برای کاستن اثرات نامساعد وام‌ها بر روی تراز پرداخت‌های آن کشور اقدام بمقید ساختن همه جانبه کمک‌های اعطائی - خویش نمود.

نظر باینکه این اقدامات موجب بروز فشار متقابل در تراز پرداخت‌های سایر کشورها شد، بهمین سبب بعضی اقدامات مسالک مذکور در مقید نمودن وام‌های خویش بسایر کشورهای در حال رشد، در حقیقت جنبه دفاعی داشته و برای خنثی نمودن اثرات اقدام ایالات متحده در این مورد صورت پذیرفته است.

نکته دیگر آنکه کشورهای درحال توسعه، دارای شرایط ومقتضیات طبیعی متفاوت بوده و بنابراین نمیتوانند بطور مساوی از جریان سرمایه ها بهره ببرند. مسئله عدم اطلاع کارشناسان خارجی از شرایط محلی نیز مشکلی است که نمیتوان آنرا نادیده گرفت. مثلاً در موارد بسیار دیده شده است که کارشناسان اعزامی آمریکائی و اروپائی بکشورهای درحال توسعه در جریان کمک بساین کشورها بیشتر بامر تکامل فنی آنها نظر داشته و کمتر بسایر جهات سرمایه گذاری توجه نموده اند.

کارشناسان مورد نظر بیشتر باوضع و شرایط کشور خودشان خو گرفته اند و بهمین دلیل آنها همواره اصرار میورزند که بهترین نوع ماشین آلات ومدرنترین و خودکارترین آنها را در کشور درحال توسعه مورد استفاده قرارگیرد وباحتمال قوی در بسیاری از موارد این پیشنهادات خودرا درکمال بی طرفی وبدون نظرارائسه میدهند. آنها کمتر باین نکته توجه دارند که کشورهای درحال توسعه دارای نیروی کارفراواند ولی سرمایه لازم را در دسترس ندارند. البته اینجا مسئله کارآئی و مهارت نیروی انسانی مطرح میشود که در خور کمال توجه است زیرا با ارتقاء سطح مهارت فنی مهندسین و کارگران محلی موجب پایداری و ادامه پیشرفتهای آتی در مملکت در حال توسعه مورد نظر خواهیم شد.

بنابراین کارشناسان مذکور تفاوت فاحش اوضاع و شرایط این کشورها را با کشور خویش که معمولاً در آنجا اتوماسیون تنها راه افزایش کارآئی است بخوبی در نظر نمی گیرند. در کشورهای در حال توسعه معمولاً مهارت و کارآئی افراد در سطح بسیار نازلی قرار دارد و میزان مردها هم اندک است ولی از جانب دیگر کثرت کارگران ساده ایجاب مینماید که در این مناطق هرچه بیشتر کار ایجاد گردد اما نظرات صرفاً فنی وسوابق خاص کارشناسان اعزامی از خارج موجب پنهان ماندن این پدیده خواهد شد. بهمین لحاظ در اجرای طرح های عمرانی که بدست خارجیان صورت

می‌پذیرند ماشینهای بزرگ و خود کار مورد استفاده واقع میشوند، درحالیکه میتوان نیروی کارگران را جانشین قسمتی از این تأسیسات نمود.

شعبه دیگری که ممکنست از جریان سرمایه‌گذاریهای خارجی مشتق شود سرمایه‌گذاری فرهنگیست. اجرای پروژه‌های این شعبه در بسیاری از موارد بگذشت زمان نیاز دارد. سعادت جامعه اجراکننده، گرچه باتأنی ولی با اطمینان بیشتری تأمین خواهد شد. زیرا توسعه علوم و فنون در جامعه علاوه بر فواید متعدد، موجب افزایش کارآئی و مجاهدت افراد میگردد. بنابراین لازمست بهبود روشهای فرهنگی و سرمایه‌گذاری در این موارد، همیشه هدف قسمتی از کمکهای اقتصادی باشد. صحت این مدعا در بسیاری از ممالک شناخته شده است ولی برخی از کشورهای درحال توسعه بیش از آنچه که باید روح و هدف اصلی پروژه‌های فرهنگی را دریابند بایجاد مراکز فرهنگی باشکوه و مجلل نمایی پرداخته‌اند و درحالیکه مبالغ بسیار صرف ایجاد این مراکز نموده‌اند در باره استاد و مطالبی که باید تدریس شود یا لوازم فنی غیرنمایشی کمتر توجه مینمایند.

در این مورد که آیا پیشرفت اقتصادی علت یا معلول آموزش و پیشرفت فرهنگیست، عقاید متضاد بیان شده و از بررسی تمامی آنها میتوان نتیجه گرفت که ایندو لازم و ملزوم یکدیگرند.

برخی از سازمانهای بین‌المللی مقررات خاصی برای توسعه سرمایه‌گذاریهای خارجی پیشنهاد نموده‌اند. اطلاق بازرگانی بین‌المللی «قانون رفتار عادلانه» را توصیه نموده که شامل موارد زیر است.

۱- ایجاد شرایط مساوی برای سرمایه‌گذار داخلی و خارجی از لحاظ مختلف

۲- عدم وجود تبعیض از نظر اداری و از لحاظ قوانین بمناسبت ملیت سرمایه.

گذار.

۳- عدم وجود تبعیض برای سهامداران خارجی در امور مدیریت و انتخاب

مدیران و بازرسان و کارکنان اجرائی و فنی مورد احتیاج تأسیسات ایجاد شده.

۴ - تقبل مراجعه واحترام بحقوق بين الملل در صورت بروز مشکلات، چون  
مصادره و سلب مالکیت وجبران خسارت بنحو عادلانه .

ه - تقبل تصمیمات صندوق بین المللی پول در امر تبدیل ارز و وجوه مربوطه .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز چاپ و انتشارات  
مركز اسناد و کتابخانه ملی

Robert J. Hollmann

Joseph M. Kendall